

نویسنده: محمد حسن سوایدن «M.H.Sweidan»
منبع و تاریخ نشر: کریدل «2026-02-25»
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل»

ترامپ به تهران: به ایران حمله کنید، منطقه را به آتش بکشید

Tehran to Trump: Strike Iran, ignite the region

ایران نشان می‌دهد که حمله آمریکا محدود نخواهد ماند، بلکه در سراسر غرب آسیا به گونه‌ای موج خواهد زد که واشنگتن ممکن است آماده پذیرش آن نباشد

Iran is signaling that a US strike would not stay limited, but would ripple across West Asia in ways Washington may not be prepared to absorb



Photo Credit: The Cradle

ابراهیم رضایی، سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس ایران، در پستی در حساب کاربری خود در اواخر هفته گذشته، مذاکرات برنامه‌ریزی شده برای فردا بین تهران و واشنگتن را «آزمونی» برای دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، توصیف کرد. به گفته رضایی، این بحث‌ها تعیین خواهد کرد که «آیا سربازان آمریکایی به جهنم می‌روند یا به آمریکا بازمی‌گردند».

لفاظی‌های تند رضایی بخشی از جریان مداوم تشدید لفاظی‌ها و سیگنال‌های مقامات ایرانی در هفته‌های اخیر است. این اظهارات نشان دهنده سطح بالایی از آمادگی ایران برای ورود به چیزی است که مقامات آن را «نبرد وجود» توصیف می‌کنند، اگر ایالات متحده آن را به تهران تحمیل کند.

به همین دلیل، بررسی گزینه‌های روی میز تهران در صورت تصمیم ترامپ برای تغییر از فشار به رویارویی نظامی مستقیم ضروری است.

آیا جنگ گزینه مورد نظر ترامپ است؟

ترامپ آن دیوانه بی‌ملاحظه‌ای که گاهی اوقات خود را به تصویر می‌کشد، نیست. او غیرقابل پیش‌بینی عمل می‌کند. این عملکرد هدفی را دنبال می‌کند. در واقع، او به هزینه بسیار توجه دارد. آنچه او را از دیگر روسای جمهور آمریکا متمایز می‌کند، فقدان محاسبه نیست، بلکه معیارهایی است که آن را هدایت می‌کنند. ترامپ کمتر نگران مشروعیت نهادی، اجماع اتحاد یا قوانین بین‌المللی است. او نگران این است که ریاست جمهوری‌اش چگونه به یاد آورده شود و آیا تصمیماتش نتایج قابل مشاهده‌ای را با هزینه‌ای قابل قبول به همراه خواهد داشت یا خیر. هزینه بالا تنها ترمز قابل اعتماد است.

در ونزوئلا، واشنگتن تغییر رژیم را دنبال کرد و جنگ اقتصادی را تشدید کرد، اما از مداخله نظامی مستقیم که می‌توانست خسارات فوری و قابل اندازه‌گیری را تحمیل کند، اجتناب کرد. در یمن، دولت ترامپ پس از آنکه مشخص شد تشدید درگیری، موفقیت استراتژیک را با هزینه‌ای قابل مدیریت تضمین نمی‌کند، حضور نظامی آمریکا در ایالات متحده را کاهش داد.

در لبنان و غزه، واشنگتن بارها به دنبال جلوگیری از گسترش به یک جنگ منطقه‌ای کامل بوده است که منجر به درگیری مستقیم ایالات متحده می‌شود. در اوکراین، ترامپ علناً تعهدات نامحدود رازیرسوال برده و ترجیح خود را برای تنظیم مجدد به جای درگیری بی‌پایان نشان داده است.

این الگو ثابت است. ترامپ به صورت لفاظی تشدید می‌کند، اعتبار تهدیدهای خود را تقویت می‌کند و عدم قطعیت را تشدید می‌کند. سپس او دو سوال را می‌سجد: آیا می‌توانم

یک نتیجه سیاسی روشن را تحمیل کنم؟ و این از نظر سیاسی، نظامی و اقتصادی چه هزینه‌ای برای من خواهد داشت؟

در مورد ایران، این هزینه‌ها بسیار فراتر از حمله اولیه است.

این موارد عبارتند از: تلافی‌جویی احتمالی علیه پایگاه‌های نظامی ایالات متحده در سراسر غرب آسیا؛ امنیت اسرائیل؛ تأثیر جنگ بر قیمت نفت و بازارهای جهانی؛ فشار سیاسی داخلی در صورت افزایش تلفات ایالات متحده؛ و خطر ورود به یک جنگ منطقه‌ای طولانی‌مدت بدون نقطه پایانی مشخص.

برنامه‌ریزی دفاعی اخیر ایالات متحده در غرب آسیا بر تکیه بر شرکای منطقه‌ای به جای تعامل مستقیم و گسترده ایالات متحده تأکید داشته است. ترجیح بر مقابله غیرمستقیم با تهران، عمدتاً از طریق حمایت از تل‌آویو بوده است.

در داخل واشنگتن، بحث اصلی این نیست که آیا ایالات متحده توانایی حمله به ایران را دارد یا خیر. این توانایی را دارد. نگرانی عمیق‌تر این است که آیا چنین حمله‌ای می‌تواند یک واقعیت سیاسی پایدار ایجاد کند - آیا تهران را بازدارد، امتیاز بگیرد یا رفتار را بدون ایجاد تشدید مداوم تنش تغییر دهد.

این عدم قطعیت، لحظه فعلی را تعریف می‌کند.

تهران کاخ سفید را بررسی می‌کند

تصمیم‌گیرندگان ایرانی به جای اینکه کورکورانه عمل کنند، حساسیت ترامپ را نسبت به هزینه و تشدید تنش درک می‌کنند. پاسخ آنها افزایش هزینه ادراک شده هر حرکت نظامی ایالات متحده قبل از وقوع آن بوده است.

روشن‌ترین هشدار از سوی علی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، آمده است که اظهار داشت: "ایالات متحده باید بداند که اگر این بار جنگی را آغاز کند، یک جنگ منطقه‌ای خواهد بود." این فرمول دقیق است. این نشان می‌دهد که هرگونه رویارویی محدود به یک تبادل محدود نخواهد ماند.

همانطور که اشاره شد، پاسخ ایران به اسرائیل یا تأسیسات منزوی ایالات متحده محدود نخواهد شد. این پاسخ به یک بانک هدف منطقه‌ای گسترده‌تر گسترش خواهد یافت که شامل منافع و زیرساخت‌های ایالات متحده در سراسر غرب آسیا می‌شود.

پیام دوم به شکل نهادی ارائه شد. تهران تشکیل شورای دفاع را اعلام کرد و علی شمخانی را به عنوان دبیر آن منصوب کرد. شمخانی یکی از باتجربه‌ترین چهره‌ها در نهاد امنیتی ایران است.

او به عنوان وزیر دفاع، دبیر شورای عالی امنیت ملی، فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران و نیروهای مسلح عادی و مشاور ارشد رهبر معظم انقلاب خدمت کرده است.

مسئولیت‌های محول شده به شورای دفاع شامل «طراحی و تقویت جامع آمادگی دفاعی، توسعه سازوکارهایی برای مقابله با تهدیدهای نوظهور..... تعیین چارچوب‌هایی برای دیپلماسی دفاعی و سازماندهی فعالیت‌های مربوط به ارتباطات استراتژیک و جنگ شناختی در حوزه دفاع استراتژیک» است.

ترکیب آن قابل توجه است. این شورا شامل نمایندگان رهبر معظم انقلاب، وزیر اطلاعات، رئیس ستاد کل، فرمانده سپاه، فرمانده ارتش منظم و رئیس قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا است. در مقایسه با شورای عالی امنیت ملی (که جنگ ۱۲ روزه آمریکا و اسرائیل علیه ایران را مدیریت کرد)، این ساختار به صراحت نظامی‌تر و از نظر سیاسی وزن کمتری دارد.

از نظر عملی، هرگونه رویارویی آینده در درجه اول توسط نهاد نظامی ایران هدایت خواهد شد و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مرکز برنامه‌ریزی عملیاتی قرار دارد.

در واکنشگتن و تل‌آویو، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اغلب به عنوان سازش‌ناپذیرترین نهاد در ساختار قدرت ایران توصیف می‌شود. برجستگی آن در پیکربندی جدید به عنوان آمادگی برای تشدید قاطع اوضاع تلقی خواهد شد.

نظرسنجی

اگر آمریکا به ایران حمله کند، چه اتفاقی می‌افتد؟

ایران مستقیماً تلافی می‌کند اما از گسترش جنگ جلوگیری

درگیری ظرف چند روز در سراسر غرب آسیا گسترش می‌یابد

واکنشگتن تشدید تنش را محدود می‌کند و به دنبال کاهش سریع تنش است یک جنگ منطقه‌ای طولانی اجتناب‌ناپذیر می‌شود

۸۵ رأی، ۵ روز و ۱۱ ساعت باقی مانده

کارت تنگه هرمز ایران همچنین یکی از مهم ترین اهرم های استراتژیک خود را احیا کرده است: تنگه هرمز

در ۱۷ فوریه، رسانه های دولتی ایران گزارش دادند که نیروهای دریایی در جریان رزمایش های نظامی، تنگه هرمز را موقتاً بستند. علیرضا تنگسیری، فرمانده نیروی دریایی سپاه، تأکید کرد که اختیار بستن هرمز در اختیار رهبری ارشد است و نیروهای ایران در صورت دستور، آماده اجرای چنین تصمیمی هستند.

تقریباً ۲۰ درصد از جریان نفت جهانی از این آبراه باریک عبور می کند. حتی یک اختلال محدود، موج های شوک فوری را از طریق بازارهای انرژی و زنجیره های تأمین جهانی ارسال خواهد کرد.

این سیگنال غیرقابل انکار است. جنگ با ایران محدود به تبادل موشک نخواهد ماند. این جنگ به سرعت به بی ثباتی اقتصادی با پیامدهای جهانی تبدیل خواهد شد.

گسترش میدان نبرد

فراتر از بیانیه های رسمی، پیام های غیرمستقیم، ظاهراً کشورهای منطقه ای میزبان زیرساخت های نظامی ایالات متحده را هدف قرار داده است.

در یک بخش تلویزیونی که از تلویزیون افق، کانالی وابسته به سازمان صدا و سیمای دولتی ایران، پخش شد، مفسران هشدار دادند که اگر واشنگتن عملیات نظامی را از خاک خود آغاز کند، امارات متحده عربی می تواند در بانک اهداف ایران قرار گیرد. این بخش، تمایزی بین جمعیت امارات و آنچه که آن را «امارات متحده عربی آمریکایی» توصیف می کرد، ترسیم کرد و زیرساخت های استراتژیک این کشور را به عنوان امتداد قدرت منطقه ای ایالات متحده به تصویر کشید.

این لفاظی فراتر رفت و امارات را به عنوان «ایالت پنجاه و یکم» ایالات متحده معرفی کرد و اهداف بالقوه مرتبط با حضور تجاری و نظامی ایالات متحده، از جمله مراکز در دبی و منطقه جبل علی را تشریح کرد.

گزارش ها همچنین نشان می دهد که تهران به لبنان و اردن هشدار داده است که تأسیسات مورد استفاده برای پشتیبانی از عملیات نظامی ایالات متحده، در صورت وقوع جنگ، ممکن است به رویارویی کشیده شوند. در لبنان، پایگاه هوایی حیات برجسته شده است. در اردن، پایگاه هوایی موفق السلطی همچنان یک مکان حیاتی برای نیروهای ایالات متحده و ائتلاف است.

اگر درگیری تشدید شود، تمرکز اولیه ایران احتمالاً دارای‌های نظامی ایالات متحده در سراسر منطقه -

پایگاه‌های هوایی، مراکز فرماندهی، تأسیسات لجستیکی و استقرار نیروی دریایی - خواهد بود. پایگاه هوایی العدید در قطر، که میزبان عملیات فرماندهی مرکزی ایالات متحده (CENTCOM) است، از نظر استراتژیکی مهم است. ستاد ناوگان پنجم ایالات متحده در بحرین یکی دیگر از گره‌های مرکزی است. تأسیسات اضافی ایالات متحده در عراق و سوریه نیز آسیب‌پذیر خواهند بود.

این نشان می‌دهد که استراتژی تهران شامل دفاع از قلمرو خود و در عین حال گسترش پاسخ خود به حوزه‌های دریایی و مناطقی که میزبان پایگاه‌های ایالات متحده هستند، می‌شود و پیام آن به شرکای منطقه‌ای و جنبش‌های متحد نیز گسترش یافته است. همانطور که در تحلیلی که در وبسایت رسمی رهبر معظم انقلاب با عنوان «در صورت هرگونه تجاوز دشمن، استراتژی ایران چه خواهد بود؟» منتشر شده است، تهران هشدار می‌دهد که خطوط قرمز گذشته اساساً از نو ترسیم می‌شوند و میدان نبرد بسیار فراتر از مرزهای قبلی گسترش خواهد یافت. در این بیانیه آمده است: «اگر به قلمرو ایران یا جان شهروندانش آسیب برسد، منافع و پرسنل آمریکایی در هیچ کجا در امان نخواهند بود.» برخلاف جنگ ۱۲ روزه ژوئن، که ایران به تنهایی عمل کرد، هرگونه درگیری آینده با دشمن در جبهه‌های متعدد و مناطق درگیری متنوع روبرو خواهد شد.

در عین حال، اسرائیل همچنان در محاسبات تهران محوریت دارد. مقامات ایرانی، از جمله وزیر دفاع در ماه مه ۲۰۲۵، اظهار داشته‌اند که هرگونه حمله ایالات متحده باعث حمله به «منافع، پایگاه‌ها و نیروهای» ایالات متحده و اسرائیل خواهد شد. این زبان عمداً فراتر از اهداف صرفاً نظامی است.

بازدارندگی از طریق تشدید تنش

رویارویی بین واشنگتن و تهران در نهایت به هزینه بستگی دارد، نه فقط توانایی.

استراتژی ترامپ متکی بر فشاری است که درست زیر آستانه تشدید غیرقابل کنترل تنش تنظیم شده است. هدف، کسب امتیاز و در عین حال جلوگیری از درگیری است که فراتر از محدودیت‌های تعریف شده گسترش می‌یابد. پاسخ تهران این بوده است که نشان دهد چنین محدودیت‌هایی قابل قبول نیستند.

از نظر تهران، هرگونه حمله‌ای واکنش‌هایی را در جبهه‌های مختلف ایجاد می‌کند و مواضع ایالات متحده، زیرساخت‌های منطقه‌ای و مسیرهای انرژی که بازارهای جهانی را در خود جای داده‌اند، درگیر می‌کند.

هر دو پایتخت در حال بررسی نقاط فشار طرف مقابل هستند. واشنگتن از دور نیرو اعمال می‌کند و به شبکه‌ای از پایگاه‌ها و شرکای منطقه‌ای وابسته است.

ایران در جغرافیای رویارویی قرار دارد و توسط تأسیسات ایالات متحده، تحرکات متحدان، گلوگاه‌های دریایی و کریدورهای حیاتی انرژی احاطه شده است.

اگر ترامپ تشخیص دهد که این واکنش قابل کنترل است، ممکن است اقدام کند. اگر تهران موفق شود او را متقاعد کند که تشدید تنش به سرعت و غیرقابل پیش‌بینی گسترش می‌یابد، ممکن است خویشتنداری غالب شود.

مذاکرات آینده حول این محاسبات خواهد چرخید. هر طرف در حال سنجش این است که طرف مقابل تا چه حد آماده پیشروی است - و حاضر است چه ریسک‌هایی را متحمل شود.

..... **با احترام** «2026-03-10»

.....